

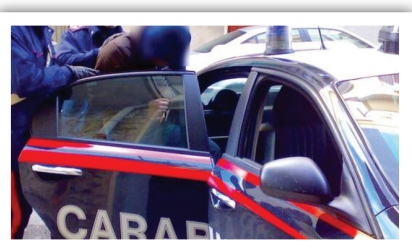


بخش ۲ محکوم به عشق امام حسین ۶

با تلاش خیران و گذشت اولیای دم در راستای پوییش، به عشق امام حسین ۶ می‌بخشم» زمینه‌آزادی ۲ محکوم به قصاص در شهرستان شهربار همزمان با ایام اربعین حسینی فراهم شد. یکی از زندانیان به‌دلیل عدم‌توانایی پرداخت دپه زندانی بود و دومین نفر نیز به قصاص محکوم شده بود که بخشیده شد.

آن سوی مرز

دستگیری دزد کتابخوان



سارقی که برای دزدی به خانه‌ای در منطقه پراتی در رم رفته بود، با دیدن یک کتاب در مورد اساطیر یونان، سرقت را ها و شروع به خواندن کتاب کرد. به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های ایتالیا، چند روز پیش سارق ۲۸ساله ایتالیایی با کیفی از لباس‌های گران‌قیمت که عصر همان روز از خانه‌ای به سرقت برده بود، برای دزدی وارد آ پارتمان دیگری در منطقه پراتی در رم شد.

او در تاریکی شب با نور چراغ قوه به‌دنبال اشیای گرانبها بود که روی میز کنار تخت، چشمش به کتابی درباره ایلیاد هومر افتاد.

دزد جوان کتاب را برداشت و ورق زد. چند صفحه‌ای از آن را خواند و غرق در کتاب شد. او دیگر متوجه اطرافش نبود و نمی‌دانست چه مدت است که کتاب به‌دست در گوشه‌های نشسته و در حال مطالعه است. در این هنگام صاحبخانه ۱۷ساله که در اتاق خوابیده بود از خواب بیدار شد و وقتی قدم به نشیمن گذاشت، با فرد غریبه‌ای در خانه‌اش در حالی‌که سرگرم کتاب خواندن بود، مواجه شد. صاحبخانه که از حضور یک غریبه در خانه‌اش وحشت‌زده شده بود، از او پرسید که در خانه‌اش چه می‌کند. دزد نیز که تازه متوجه شده بود در چه موقعیتی قرار دارد با عجله از وی بالکن خانه پیر مرد بیرون پرید و فرار کرد. صاحبخانه بلافاصله پلیس را در جریان قرار داد و وقتی مأموران به محل سرقت رسیدند، در بررسی‌ها مشخص شد که آن مرد سارق است و برای دزدی به خانه پیر مرد آمده بود، اما کتاب اساطیری جواشس را پرت کرد و مانع کارش شده بود. پلیس اعلام کرده که این سارق سسه‌عاتی پس از فرار از خانه پیر مرد شناسایی و دستگیر شده است. او اما در بازجویی‌ها، هنوز به سرقت اعتراف نکرده و مدعی شده که آن روز برای دیدن یک آشنا به ساختمان موردنظر رفته و اشتباهی وارد خانه پیر مرد شده و با دیدن کتاب شروع به مطالعه آن کرده است. در ادامه وقتی خبر سرقت ناموفق این دزد دست به‌دست شد، جوانی نوچی، نویسنده کتابی که سارق در حال مطالعه آن بود، به رسانه‌های محلی گفت که می‌خواهد نسخه‌ای از کتابش را برای این مرد بفرستد تا بتواند خواندن خود را به پایان برساند.

جنایی

اختلاف مالی خونین ۲مشاور املاک



وقتی اختلاف مالی ۲مشاور املاک که پیش از این با یکدیگر شریک بودند بالا گرفت، کار به درگیری کشید و در نهایت یکی از آنها شریک سابقش و مردی را که قصد میانجیگری داشت با شلیک گلوله به قتل رساند.

به گزارش همشهری، صبح دیروز (دوشنبه) به پلیس رباط کریم و قفس در غرب استان تهران خبر رسید که در جریان تیراندازی در یک پسنگاه معاملات املاک واقع در بلوار جمهوری پرند ۴نفر هدف قرار گرفته و جان‌شان را از دست داده‌اند.
دقایق کوتاهی از این خبر گذشته بود که نخستین گروه از مأموران خود را به محل حادثه رساندند. در این حادثه صاحب مشاور املاک و یکی از همسایه‌هایش به قتل رسیده بودند و تحقیق از شاهدان نشان می‌داد که عامل تیراندازی خونین شریک سابق مشاور املاک و از اقوام او است. آنها مدت‌ها قبل با یکدیگر شریک بودند، اما به‌دلیل اختلافاتی که با یکدیگر داشتند به شراکت‌شان پایان دادند، ولی این اختلافات همچنان پابرجا بود.
آنطور که شاهدان عینی می‌گفتند عامل جنایت دقایقی قبل از حادثه به آنجا رفته و درباره اختلاف و طلبی که مدعی بود از شریک سابقش دارد با او گفت‌وگو کرده، اما در ادامه کار به درگیری کشیده شده بود. در جریان این درگیری ضارب با شلیک گلوله شریک سابقش و مردی را که در حال میانجیگری بین آنها بوده به قتل رسانده و گریخته بود که از همان زمان تلاش‌ها برای دستگیری او آغاز شده است.
سرهنگ تیمور کلانتری، فرمانده نیروی انتظامی رباط کریم در این باره گفت: متأسفانه این دو نفر مدتی بود که به‌دلیل اختلافات مالی، یکدیگر را تهدید می‌کردند تا اینکه این تهدیدات به واقعیت پیوست و متهم با یک متقول نسبت فامیلی هم داشت دست به این کار زد. وی ادامه داد: در این حادثه ضارب هم‌دست هم داشت که او دستگیر شده، اما متهم اصلی متواری است و تحقیقات برای دستگیری او ادامه دارد. به‌گفته‌وی ابعاد مختلف این جنایت در دست بررسی است.



الهه فراهانی

روزنامه‌نگار

گردنبندقاپ سربالی پایتخت یک مهندس کامپیوتر بود که به‌گفته خودش بعد از اینکه همسرش او را ناگهان ترک کرد و ناپدید شد، افسرده شد و پس از آن تصمیم گرفت برای انتقام از زنان دست به سرقت از آنها بزند. به گزارش همشهری، اواخر خرداد امسال بود که پرونده سرقت‌های سربالی این مرد روی میز باز پرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت تهران قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌داد که متهم سوار بر یک دستگاه موتورسیکلت به زنان و دختران در کوچه‌های خلوت هجوم برده و پس از ضرب و شتم آنها، گردنبندشان را قابیده و فرار می‌کرد.

سرقت؛ ۳ ساعت پس از آزادی

مجرم سابقمدار، ارسلان نام دارد. او می‌گوید که مهندس کامپیوتر است و مشکل مالی ندارد و تنها دلیلی که باعث شده دست به سرقت خشن از زنان و دختران بزند، انتقام گرفتن از آنهاست. گفت‌وگو با او را بیاخوانید.

چرا از زنان متفرقی؟

چون همسرم خیلی به من بد کرد. در زندگی شکست بدی خوردم و از آن پس دیگر ارسلان سابق نشدم. حس می‌کردم فقط با انتقام حالم خوب می‌شود.

چه اتفاقی در زندگی‌ات رقم خورد؟

من مهندس کامپیوترم و فوق‌لیسانس دارم. در یک شرکت کار می‌کنم و در آمدم بالااست. در یکی از پروژه‌های کاری با دختری به نام نسیم آشنا شدم. مدتی بعد هم یک دل نه صد دل عاشقش شدم و به او پیشنهاد ازدواج دادم. پای سفره عقد نشستیم و زندگی‌مان شروع شد. هیچ مشکلی میان ما وجود نداشت. من مدام کار می‌کردم تا بهترین زندگی را برای همسرم بسازم، اما او دست در سومین سال زندگی‌مان مرا را کرد و رفت. دلش می‌خواست مهاجرت کند و از

دختر جوان، فرشته نجات ۳بیمار شد

اعضای بدن دختر جوانی که دچار مرگ مغزی شده بود ۱۳بیمار نیازمند را از مرگ نجات داد. این دختر ۱۹ساله که راحله ضراب‌زاده نام داشت و اهل یاسوج بود چند روز قبل بر اثر سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شده بود که با موافقت خانواده‌اش دو کلیه و کبد وی جداسازی و به ۱۳بیمار نیازمند اهدا شد.



مردی که باخشونت تمام‌دست‌به‌سرقت از زنان می‌زد به دام پلیس افتاد

انتقام؛ انگیزه دزد سربالی پایتخت

سرقت‌های مرد موتورسوار به قدری خشن بود که برخی از طعمه‌های او راهی بیمارستان شده و حتی یکی از آنها تا یک قدمی مرگ پیش رفته بود. این مرد برای ترساندن طعمه‌هایش آنها را زیر مشت و لگد می‌گرفت و حتی باعث شکستگی دستت یا پای برخی از آنها شده‌بود. در یکی از سرقت‌ها چنان مالباخته را کتک زده بود که وی روی زمین افتاده و بر اثر اصابت سرش با زمین از هوش رفته و یکماه در کما بود.

سر تخم مهم

تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی تهران برای دستگیری این مرد در حالی ادامه داشت که شواهد نشان می‌داد متهم در جاهایی مرتکب سرقت می‌شد که دوربین مدارسیتم وجود نداشت. این یعنی وی احتمالاً فردی سابقه‌دار بود که برای سرقت‌هایش برنامه کاملی داشت و تلاش می‌کرد هیچ سرنخی از خودش به‌جا نگذارد. اگر چه دزد سربالی در همه سرقت‌هایش کاملاً حرفه‌ای عمل می‌کرد، اما در

من خواستت تا برای ادامه زندگی به اروپا برویم اما من راضی نبودم، چون شرایط کاری‌ام خوب بود. نسیم وقتی دید من تمایلی به رفتن از ایران ندارم، نقشه‌هایش را بدون اینکه مرا در جریان قرار بدهد، کشید. یک شبه غیبش زد و ناپدید شد. من ابتدا فکر می‌کردم او را کشته‌اند. چون سابقه نداشت بی‌خبر از من جای بی‌برود، حتی خانواده‌اش هم از او بی‌اطلاع بودند. برای همین نزد پلیس رفتم تا اینکه سه از استعمال مشخص شد که نسیم از کشور خارج شده است. او به فرانسه رفت و چون حق طلاقی نداشت، وکیل گرفت تا غیابی از من طلاق بگیرد.

این همه خشونتی که در سرقت‌ها داشتی به خاطر همین کینه‌است؟

من ضربه سختی خوردم. بعد از این اتفاق افسرده و بعد هم به گل و شیشه معتاد شدم. زندگی‌ام ناآلود شد و صدایی در ذهنم می‌گفت که باید انتقام بگیرم.

چرا سرقت را انتخاب کردی؟

در روزم بر از خشم و نفرت بود. یک شب دوستم پیشنهاد داد تا طلا و جواهرات زنان را سرقت کنم. من هم احساس کردم با این کار می‌توانم از زنان انتقام بگیرم. راستی همسرم تمام طلا و جواهراتی را که برایش خریده بودم، حتی سکه‌هایی که شب عروسی به ما هدیه داده بودند هم سرقت کرد و با خودش برد.

پرونده‌ات نشان می‌دهد سابقه داری، چرا درس غیرت نگرفتی؟

چون احساس می‌کردم درونم هنوز آشفته است.

جزئیات مرگ دردناک مانیسا در پارک ارومیه



افتاد و برادران و دوستانش به سمتش دویدند تا بلندش کنند، یکی از برادران مانیسا و یکی از دختران همبازی او هم دچار برقی گرفتگی شدند اما جراحات جسمی آنها خیلی شدید نبود و توسط پزشکان معالجه شدند.

لعیا کلوانی مادر مانیسا که مدیر مدرسه است با گریه درباره این حادثه به همشهری می‌گوید: باورم نمی‌شود در یک چشم بزم‌زدن دخترم از دستم بزرگشید و رفت.

او می‌افزاید: دخترم و برادران و دوستانش برای بازی به پارک محله رفته بودند، جایی که کودکان زیادی در آنجا در حال بازی بودند. آب پاشی چمن‌های اطراف تیر چراغ برقی که ظاهراً اتصالی داشته، باعث شده بود که در آن قسمتی که چمن‌ها خیس بودند، جریان برق ایجاد شود. یعنی اتفاقی که برای دخترم رخ داد می‌توانست برای بقیه‌چچه‌ها هم رقم بخورد.

او ادامه می‌دهد: بعد از طی شدن روزهای پر از درد و رنجی که در این مدت سرگردیم از عاملان این حادثه شکایت کردیم. دستگاه‌قضا به پرونده ورود کرد و اداره برق و شهرداری را مقصر عنوان کرد، هر چند آنها تقصیر را به گردن دیگری می‌اندازند. این مادر دافشار اضافه می‌کند: پارکی که حادثه در آنجا رخ داد، قبلاً کاملاً تارک بود. مدت زیادی بود که برای روشنایی پارک، نامه‌نگاری‌هایی کرده بودیم، حتی بارها حضوری مراجعه کردیم تا برای پارک تیر چراغ برق نصب شود، چرا که شب‌ها این

شده بود.

پارک به خاطر تارک بودنش محل دور همی شبانه معتادان می‌شد. ساکنان محل نیز از این موضوع به‌شدت ناراحت بودند. تا اینکه بالاخره به تازگی چند تیر برق نصب کردند. کلوانی می‌گوید: بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که تیر چراغ برقی ایمن نبوده است. گفته‌اند که این تیرهای چراغ برقی بدون مجوز اداره برق نصب شده است. البته بعد از مدتی به‌گفته مسئولان مشخص شد که سیم‌های داخل تیر برق فاقد روکش بوده و دست‌کاری شده و همین باعث اتصالی برق شده بود.

به‌گفته سرهنگ حسین تریکان، رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان، پس از اعتراضات متهم، مأموران موفق شدند جاقویی را که او هنگام از کتاب جنایت به‌همراه داشت و همچنین گوشواره‌های مقتول را در مخفیگاهش کشف کنند. باین ترتیب برای وی قرار قانونی صادر شد و پرونده این جنایت در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.

سمنشنبه ۶ شهریور ۱۳۹۰- شماره ۹۱۹۰



صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

داخلی

طناب دار بر گردن قاتل وکیل شاهرودی

۲۵ماه پس از قتل وکیل شاهرودی، عامل این جنایت با خواست اولیای دم قصاص شد تا پرونده زندگی‌اش برای همیشه بسته شود. به گزارش همشهری، این جنایت در نخستین ساعات ابامداد ۱۷مردادماه سال ۱۴۰۱

مقابل منزل وکیل محمودرضا جعفر آقایی در شاهرود اتفاق افتاد. آن زمان این وکیل جوان و همسر و پسر ۱۵ساله‌اش قصد ورود به خانه را داشتند که فرد ناشناسی چندین گلوله به‌سوی او شلیک کرد و گریخت. هرچند وکیل جوان به مرکز درمانی منتقل شد اما جانش را از دست داد و به‌دنبال آن تلاش‌ها برای دستگیری قاتل آغاز شد. چند روز از این جنایت گذشته بود که ۶نفر به ظن دست داشتن در قتل وکیل شاهرودی دستگیر شدند. یکی از آنها عامل جنایت بود که در بازجویی‌ها به قتل

اعتراف کرد. سایر دستگیرشدگان نیز اقرارای بودند که در تشویق، تطمیع و معاونت در قتل دست داشتند. در این شرایط بود که پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان سمنان فرستاده شد. در جلسه محاکمه متهمان به دفاع از خود پرداختند و متهم اصلی نیز بار دیگر جزئیات قتل را بازگو کرد. با پایان دفاعیات متهمان و وکلای مدافع‌شان در نهایت

قضات دادگاه وارد شور شدند و متهم ردیف اول را به اتهام قتل عمدی به قصاص محکوم کردند. همچنین سایر متهمان به حبس‌های طولانی مدت و پرداخت جزای نقدی محکوم شدند. با وجود صدور این رأی، متهمان به آن اعتراض کردند و پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد. قضات شعبه ۴۹ دیوان با بررسی محتویات پرونده رأی دادگاه را تأیید کردند و به این ترتیب پرونده به واحد اجرای احکام دادگستری استان سمنان فرستاده و شمارش معکوس برای اجرای حکم آغاز شد. در این مدت مسئولان واحد اجرای احکام تلاش زیادی برای ایجاد صلح و سازش در این پرونده انجام دادند؛ اما اولیای دم برای اجرای حکم اصرار داشتند. در چنین شرایطی بود که صبح دیروز (دوشنبه) طناب دار بر گردن قاتل وکیل شاهرودی حلقه بست و پرونده زندگی او برای همیشه بسته شد.

محمدصادق اکبری، رئیس کل دادگستری استان سمنان در این باره گفت: سیاست ما در پرونده‌ها در دستگاه قضایی استان به‌عنوان یک اولویت مهم و اساسی است و در این پرونده نیز همکاران حوزه قضایی شاهرود با همراهی افراد صاحب‌نظرد و صلح یار آن شهرستان، تلاش برای کسب صلح و سازش را پیگیری و انجام دادند؛ اما اولیای دم مصمم به اجرای حکم قصاص نفس بودند و در نهایت حکم اجرا شد.

صدور کیفرخواست

در جنایت عجیب پایتخت



تحقیقات در پرونده یکی از عجیب‌ترین قتل‌های پایتخت که در آن پسرکی جوان با تزریق سم مار به قتل رسیده بود، تکمیل و به صدور کیفرخواست منجر شد. عامل این جنایت مرد مارگیر بود که به‌گفته خودش شگرذ منحصربه‌فردی برای ارتکاب جنایت داشت و استخدام شده بود تا قتل مرتکب شود که هیچ رد و سرنخی در آن پیدا نشود.

به گزارش همشهری، مقتول پسرکی جوان به نام علی و صاحب کافی‌شاپی در یکی از مناطق تهران بود که مهرماه سال گذشته به طرز مشکوکی جان باخت. مدتی بعد پزشکی قانونی اعلام کرد سم عیبی بدن علی و باعث مرگ‌ش شده است. اما بررسی دوربین‌های مداربسته نشان می‌داد که وقتی علی محل کارش را ترک کرده، سرنشینان یک دستگاه موتورسیکلت از کنار او رد شده و یکی از آنها به علی تنه زده، ولی بعد عذرخواهی کرده و از آنجا دور شده است؛ بنابراین مأموران احتمال دادند که موتورسواری که به مقتول تنه زده بود، با سرنگ، سم مرگبار را به بدن او تزریق کرده است.

تحقیقات تیم جنایی نشان داد که مقتول و پدرش با عموی خود دچار اختلاف ۴۰میلیاردی شده بودند. در ادامه تحقیقات مشخص شد که عموی علی طراح نقشه جنایت بوده و برای اجرای این سناریو، قاتالی اجیر کرده است. اجیر شده‌ها نیز به شهر شیراز رفته بودند تا فرد دیگری را با سم مار به قتل برسانند، اما پیش از جنایت دوم دستگیر شدند. عامل جنایت نیز اعتراف کرد که از سوی عموی علی اجیر شده تا با تزریق سم مار، جان مقتول را بگیرد. این فرد خودش مارگیر بود که می‌خواست شگرذ منحصر به فردی برای جنایت داشته باشد و قتل خاصی را رقم بزند.

با اعتراف وی، عموی مقتول و آثرفری که با وی در جنایت همکاری داشتند، دستگیر شدند. با گذشت حدود یک سال از قتل، تحقیقات در این پرونده تکمیل شد. اولیای دم خواستار اشد مجازات برای عاملان قتل شدند و باز پرس جنایی برای مرد مارگیر به اتهام مباشرت در قتل عمدی و برای عمو و ۳هم‌دست دیگر وی به اتهام معاونت در قتل عمدی، کیفرخواست صادر کرد تا متهمان بزودی در دادگاه کیفری پای میز محاکمه بروند.